



پرونده

●
 هارلم رنسانس را باید نهضت
 فرهنگی آمریکایی، آفریقایی
 دانست که در دهه ۱۹۲۰ و
 اوایل دهه ۱۹۳۰ در محله
 هارلم نیویورک شکل گرفت
 این نهضت در اواخر جنگ
 جهانی اول در سال ۱۹۱۸ بدینبار گشت و از نیمه دوم
 دهه ۱۹۲۰ به شکوفایی
 رسید و سپس در اواسط دهه
 ۱۹۳۰ از بین رفت، اما این
 هارلم رنسانس بود که برای
 نخستین بار ناسران پرکار و
 منتقدان را یادداشت نگاهی
 جدی تر به ادبیات و هنر
 آفریقایی، آمریکایی، بیندازند
 و همین مایه‌های جلیبوجه
 خیل عظیمی از مخاطبان به
 هنر و ادبیات
 آفریقایی، آمریکایی شدند
 اگرچه ادبیات به‌معنای موفقه
 اصلی این نهضت شناخته
 می‌شود اما هارلم رنسانس با
 رشد و گسترش موسیقی،
 تئاتر، هنر و سیاست
 آفریقایی، آمریکایی ارتباط
 ننگانگی داشت



پرونده گاه علوم انسانی
 رتال جامع علوم انسانی

نهضت هارلم رنسانس
 Harlem Renaissance
 Renaissance

مراحل آغازین نهضت

هارلم رنسانس زمانی پدیدار شد که جامعه سیاهپوستان آمریکا دستخوش موج تازه روشنفکری اوائل قرن بیستم شد. با پایه‌های این نهضت را عوامل چندی بنا نهادند. نخست، با شروع قرن بیستم طبقهٔ متوسطی از سیاهپوستان شکل گرفت که اندیشهٔ ارتقای سطح آموزش و بهیچک آوردن فرصت‌های شغلی پس از جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵، ۱۸۶۱) را در سر می‌پرورد. با سپری شدن نخستین دههٔ قرن بیستم در خلال مهاجرت بزرگ صدها هزار سیاهپوست از جنوب به شمال، رفته‌رفته شمار سیاهپوستان تحصیل‌کرده و صاحب‌شعور اجتماعی در محلهٔ هارلم بیشتر شد. این‌ها در راه کوچ بزرگ از جنوب آمریکا، درگیر رکود اقتصادی و به‌شهرهای صنعتی شمال گام برمی‌داشتند تا از فرصت‌های شغلی بهره‌مند شوند. همان‌جا بودند که هارلم را به مرکز سیاسی و فرهنگی سیاهپوستان آمریکا تبدیل کردند. علاوه بر این، در اوایل سال ۱۹۱۰ ستوری در بین اعضای جامعهٔ افریقایی-آمریکایی پیروزه در طبقهٔ متوسط در حال رشد انتشار یافت که مدافع برابری نژادی بود. از میان چهره‌ها و نهادهای شاخص تنظیم‌کنندهٔ این ستوری می‌توان از تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس هارلم پیوست آمریکایی دنبلیو ای. بی. دیویر و از اینجمن ملی پیشرفت سیاهپوستان، نام برد که از سال ۱۹۰۹ برای پیشبرد اهداف و احقاق حقوق سیاهپوستان تأسیس شده بود. نشانه‌های تأثیر این برنامهٔ کاری در تلاش‌های مارکوس گاروی، ملی‌گرای سیاهپوست زاده جانتا، نیز نمایان شد. وی در میان سیاهپوستان آمریکا شمار نهفت بازگشت به افریقا را سر داد و عامل ایجاد فرور نژادی در بین سیاهپوستان آمریکا شناخته می‌شود.

درست قبل از شروع قرن بیستم بود که هنر و ادبیات افریقایی-آمریکایی بسط و توسعه یافتند. نمایش شروع کرد. در عرصهٔ هنرهای نمایشی و تئاترهای میوزیکال سیاهپوستان هنرمندان روزنمایی همچون باب کول، ترانسرا و جی. زامبرانو جانسون ظهور کردند. موسیقی جَز و بلوز نیز به‌همراه شمار زیادی از سیاهپوستان که از جنوب و میانهٔ غربی به محلهٔ هارلم راه یافته بودند، ظهور کرد. در ادبیات نیز انتشار پل لارنس دابیار و ادبیات داستانی چارلز دنبلیو چنتا به‌معنای آثار اولیهٔ افریقایی-آمریکایی‌های اواخر دههٔ ۱۸۸۰ با استقبال عام مواجه شد. در اواخر جنگ اول جهانی، ادبیات داستانی جیمز ولدون جانسون و اشعار کلود مککی، خبر از ادبیاتی می‌دادند که به‌توصیف واقعیت زندگی سیاهان در آمریکا و تلاش‌شان بساری به‌دست آوردن هویت نژادی می‌پرداخت.

در اوایل دههٔ ۱۹۲۰ سه اثر به‌معنوان نشانه‌های بارز انرژی خلاق جدید در ادبیات افریقایی-آمریکایی شناخته شده‌اند. کتاب شعر مککی Harlem Shadows سال ۱۹۱۲، یکی از نخستین آثار نوبتدیی سیاهپوست بود که توسط یک نافر ملی و معروف به‌عنوان می‌رسید. رمان تجربی جین تومر Cane، سال ۱۹۱۲، آمیزه‌ای از شعر و نثر بود که به‌طوری مستند زندگی سیاهان آمریکایی را در بخش‌های روستایی جنوب و بخش شهری شمال به‌تصویر می‌کشید. و بالاخره، اولین رمان جسی فاست نویسنده و سردبیر There is Confusion، سال ۱۹۲۴، زندگی طبقهٔ متوسط در میان سیاهان آمریکایی را از نگاه یک زن نشان می‌داد.

با نگاهی به تاریخچهٔ هارلم رنسانس، می‌توان از سه واقعه در خلال سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۶ به‌معنای مسببان پدیدار شدن هارلم رنسانس نام برد: اول در بیست‌و یکم سال ۱۹۲۴، چارلز ای. جانسون از انجمن ملی-شهری میزبانی مهمانی را به‌عهده گرفت که در آن از استعداد نوین ادبی در جامعهٔ سیاهان تجلیل شد و نویسندگان جوان سیاهپوست به این جامعهٔ علمی-سیفیونیست نیویورک معرفی شدند. این انجمن ملی-شهری در سال ۱۹۱۰ تأسیس شده بود و هدفش کمک به سیاهپوستان و رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی آنان به‌عنوان سکونت در بخش شهری شمال بود. حاصل این مهمانی، انتشار مجلهٔ The Survey Graphic بود که با رویکرد به فرهنگ کثرت‌گرایی، به تحلیل و نقد اجتماعی می‌پرداخت. این مجله در مارس ۱۹۲۵ منتشر شد و فعالیتش را وقف تشریح هنر و ذوق زیبایی‌شناسی موجود در ادبیات و هنر سیاهان می‌کرد. مجلهٔ با آثار نویسندگان سیاهپوست تهیه می‌شد و سردبیر آن فیلسوف و محقق ادبی سیاهپوست به‌نام آن‌لروی لاک بود. دوسیم واقعه انتشار اثر Nigger Heaven نویسط یک رمان‌نویس سیفیونیست به‌نام کارل وین وچتن بود. این کتاب به‌طوری چشمگیر زندگی در هارلم را در معرض دید قرار می‌داد. گرچه این اثر بزویی از اعضای جامعهٔ سیاهپوستان ویسته به‌ر دو قشر فرالاستان و فرورایگان هارلم را مورد می‌حرمی قرار می‌داد اما باعث شد تا پدیدهٔ محبوبیت سیاهپوست خلق شود که نظر هزاران منتقد نیویورکی اضم از سیاه و سفید را به زندگی مهیج و شگفت‌انگیز هارلم جلب می‌کرد و عرصه‌ی را برای ارائهٔ آثار ادبی و موسیقی افریقایی-آمریکایی فراهم آورد. نهایتاً، در سپایز سال ۱۹۲۶ گروهی از نویسندگان جوان سیاهپوست دست به انتشار مجلهٔ ادبی خود Fire!! زدند. با این مجله، نسل جدیدی از نویسندگان و هنرمندان از جمله لنگستون هیوز، ولس تومرن و

زورابیل هرستون به‌عنوان سرآمدان جامعهٔ سیاهان، مؤلفان این رنسانس ادبی شدند.

ویژگی‌های هارلم رنسانس

هارلم رنسانس را با تعریف می‌توان سبک ادبی یا مکتب هارلم متعارف نمی‌توان شرح داد. آن چه فضای آن را با هم متحد می‌یاخت احساس مشارکت داشتن در تلاش مشترک و تمهیدشان به پیشخندان بیانی هنری به این تجربهٔ افریقایی-آمریکایی بود. در این آثار مضامین مشترکی از علاقه به ریشه‌ها در تجربیات قرن بیستمی افریقایی-آمریکایی و جنوب آمریکا، غرور دیده نژادی و تمایل به مناوایات اجتماعی و اقتصادی شدد اما بارزترین جنبهٔ هارلم رنسانس گوناگونی بیان آن بود. از اوایل دههٔ ۱۹۲۰ تا اوایل دههٔ ۱۹۳۰، حدود شازده نویسندهٔ سیاهپوست پیش از پنجاه جلد کتاب شعر و ادبیات داستانی به‌عنوان رساندند. در حالی که چندین هنرمند افریقایی-آمریکایی دیگر نیز در حال خلق آثار خویش در زمینه‌های نقاشی، موسیقی و تئاتر بودند.

در آثار نویسندگان این مکتب می‌توان تنوع بیان ادبی را مشاهده کرد. اشعار هیوز، ریشه‌های موسیقی افریقایی-آمریکایی را با زندگی در محلهٔ سیاهان به‌هم می‌تند. مثل شعر Weary Blues، بهره‌گیری کلود مککی از فنل‌هایش تهیج‌گر و محکوم‌کنندهٔ خشونت نژادی است. مثل We Must Die و سرانجام کشتی کولن که از تصاویر افریقایی و اروپایی به‌منظور مکاشفه ریشه‌های زندگی آمریکایی‌های سیاهپوست استفاده می‌کرد. در شعر Heritage کولن درصن تأکید بر مسیحی و افریقایی بودن خود، عدم تعلق‌اش به هرکدام از این سنن را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. تالارسن رمان‌نویس نیز در Quicksand به مطالعهٔ دقیق روانشناختی یک زن افریقایی-آمریکایی که هویت خویش را از دست داده و می‌دزد و زور تیرا هرستون در رمان Their Eyes Were Watching God از زندگی تودهٔ روستایی جنوب مد می‌گرد تا به شخصیت زن‌رمان خود در روند آگاهی یافتن به‌عنوان واقعی‌اش کمک برساند. هرستون برای خلق این اثر تحقیق عمیق و شایان توجهی را دربارهٔ نژاد سیاه و جنس زن به‌علاجه رسانده است.

تنوع و تجربه‌های تازه در هنرهای نمایشی هارلم رنسانس نیز به‌عنوان بارزی شکوفا شده است. این تجربه درخشان در آهنگهای سبک بلوز بسی اسیمیت و موسیقی جَز متمسک شده است. آرون داگلاب نقاش نیز سبک اصیلی را به‌طوری کاملاً سنجیده اتخاذ کرده و تصاویر افریقایی را در نقاشی‌ها و نگاره‌هایش درآمیخته است.

نهضت هارلم رنسانس

مسیر حرکت هنر و ادبیات افریقایی-آمریکایی را برای همیشه در کشور آمریکا متحول و دگرگون کرد
در واقع تأثیر عمیق همین نهضت بود که آثار خلق شده
نویسندگان سیاهپوست نیمه قرن بیستم، حتی دهه های ۳۰ و ۴۰ را
با چنان استقبالی مواجه کرد که نظیر آن را هیچگاه تاریخ دو دهه نخست قرن بیستم
در حافظه اش ثبت نکرده بود.

شماره از عوامل

باعث زوال هارلم رنسانس در اواسط دهه ۱۹۳۰ شدند. رکود اقتصادی آمریکا بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶
باعث تشدید فشار اقتصادی
بر تمامی اجزای زندگی روزمره شد. سازمانهایی که برای ارتقای
هارلم رنسانس در دهه ۱۹۲۰ تلاش می کردند، طایف خود را از اهداف اصلی شان به سمت مسائل اجتماعی، اقتصادی در
دهه ۱۹۳۰ سوق دادند بسیاری از نویسندگان تأثیرگذار سیاهپوست
و عروجان ادبی در اوایل دهه ۱۹۳۰ نیویورک را ترک کردند.

چیست

هارلم رنسانس در زمان شکوفایی اش مخاطبان مختلفی را به سوی خود جذب کرد. ادبیات برای طبقه متوسط افریقایی-آمریکایی و قشر کتابخوان سفیدپوست جاذبههایی بدیع را به همراه داشت. مجلاتی چون *The Crisis*، ماهنامه *Negro*، *Opportunity*، نشریه رسمی پیشرفت سیاهپوستان و *Harlem Renaissance*، نشریه رسمی انجمن شهری، از نویسندگان هارلم رنسانس بهره می جستند، آن ها اشعار و داستان های کوتاه نویسندگان سیاهپوست را چاپ می کردند و از طریق مقالات، نقدها و جوایز سالانه ادبی به ارتقای ادبیات افریقایی-آمریکایی کمک می کردند. منابع با اهمیت دیگری که هارلم رنسانس بدان ها متکی بود، انتشاراتی ها و مجلات سفیدپوستان بود. در واقع دستاورد عظیم هارلم رنسانس کشودن و بازنگه داشتن درها برای ورود هفته نامه ها، ماهنامه ها و فصلنامه ها و انتشارات سفیدپوستان به معیان خوانندگان سفیدپوست بود. هرچند که ارتباط میان نویسندگان هارلم و ناشران و مخاطبان سفیدپوست گاهی پخته و مجادله های را به همراه داشت. در جایی که اکثر منتقدان افریقایی-آمریکایی از این ارتباط حمایت گسترده ای می کردند، دیویا و دیگران، نویسندگان هارلم را متهم به ارائه چهره منفی کلیشه ای از ادبیات افریقایی-آمریکایی می کردند و آنان را مورد انتقاد شدید قرار می دادند. نخستین هیوز که به طور غیررسمی سخنگوی اکثر نویسندگان و هنرمندان سیاهپوست بود، در مقاله خویش *The Negro Artist and the Racial Mountain* ۱۹۲۶ این چنین می نویسد: قصه هنرمندان سیاهپوست بیان آزادانه افکار خویش است و هیچ اهمیت ندارد که مردم سیاهپوست یا سفیدپوست درباره آن چگونه فکر می کنند و یا برزداشتن

موسیقیدانان و دیگر نویسندگان افریقایی-آمریکایی نیز دارای مخاطبان مختلفی بودند. کارهای هارلم لزون بر ساکنان هارلم سفیدپوستان نیویورکی را نیز که به دنبال زندگی شبانه بودند به سوی خود جلب می کردند.

چرا هارلم رنسانس زوال یافت

شماره از عوامل باعث زوال هارلم رنسانس در اواسط دهه ۱۹۳۰ شدند، رکود اقتصادی آمریکا بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶ باعث تشدید فشار اقتصادی بر تمامی اجزای زندگی روزمره شد. سازمان هایی همچون *Urban League* که برای ارتقای هارلم رنسانس در دهه ۱۹۲۰ تلاش می کردند، فعالیت خود را از اهداف اصلی شان به سمت مسائل اجتماعی، اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ سوق دادند. بسیاری از نویسندگان تأثیرگذار سیاهپوست و عروجان ادبی در اوایل دهه ۱۹۳۰ نیویورک را ترک کردند. در انتها، در سال ۱۹۳۵

شورشی در هارلم صورت گرفت که از دلایل آن نژادپرستی فرآینده زندگی اقتصادی ناشی از دوره رکود و نیز تنش روحی رشد بین جامعه سیاهپوستان و سفیدپوستان صاحب مغز در هارلم بود که از وجود سیاهپوستان منفعت می بردند. این وقایع مستقیمت هم دادند و هارلم را که به عنوان کعبه آمال نسل جدیدی از سیاهپوستان مطرح شده بود، از ذهن نسل جدید محو کردند. اما علی رغم این مشکلات، هارلم رنسانس یک شبه از میان نرفت. تقریباً یک سوم کتاب های منتشر شده در زمان رنسانس تا سال ها بعد از سال ۱۹۲۹ نیز مطرح بودند.

کلام آخر این که، حیات هارلم رنسانس زلمی

پایان یافت که اکثر عناصر مرتبط با آن هارلم را ترک کردند یا نویسندگانش از نوشتن باز ایستادند. با چنین سرنجامی، هنرمندان جوانی که در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در صحنه ادبی و هنری سیاهپوستان ظهور کردند هرگز با این نهضت ارتباطی نیافتند.

نهضت هارلم رنسانس مسیر حرکت هنر و ادبیات افریقایی-آمریکایی را برای همیشه در کشور آمریکا متحول و دگرگون کرد. در واقع تأثیر عمیق همین نهضت بود که آثار خلق شده نویسندگان سیاهپوست نیمه قرن بیستم، حتی دهه های ۳۰ و ۴۰ را با چنان استقبالی مواجه کرد که نظیر آن را هیچگاه تاریخ دو دهه نخست قرن بیستم، در حافظه اش ثبت نکرده بود. علاوه بر این، از مکتب هارلم رنسانس مجموعه ای از ادبیات افریقایی-آمریکایی به جا ماند که الهام بخش نویسندگانی همچون *Richard Wright* و *Ralph Ellison* شد. همان مسیر ادبی طی شده را در اوایل دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ دنبال کنندگان حاصل ادبیات افریقایی-آمریکایی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

خلاقانی همچون تونی مورسون و ایلیس واکر دارد نیز ریشه در نوشته های هارلم رنسانس دارد. تأثیرات هارلم رنسانس تنها به آمریکا ختم نشد. نویسندگانی همچون مک کی، هیوز و کتون و هنرمندان و موسیقیدانانی همچون پل رابسون و دیگران به کشورهای اروپایی سفر کردند و محبوبیتی فراتر از آنچه در آمریکا داشتند به دست آوردند. هارلم رنسانس برای هزاران هزار سیاهپوست اتفاقاً نقاط ثابت کرد که ادبیات و فرهنگ قرن بیستم تنها در احصار سفیدپوستان نبوده است.